



تحلیل فقهی و حقوقی جرم سبّ النبی و توهین به مقدسات

پدیدآورنده (ها) : رفاعی، غزاله

حقوق :: نشریه مطالعات حقوق شهروندی :: پاییز ۱۳۹۹ - شماره ۱۶

صفحات : از ۶۰۳ تا ۶۲۶

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1822586>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۷/۲۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- تحلیل ریشه‌ها و ماهیت بحران اوکراین: تشدید تنش شبه جنگ سرد بین روسیه و غرب
- توهین به مقدسات اسلام با توجیه آزادی در بیان و نشر عقیده
- تهدید غرب، برداشت روسیه و بحران اوکراین
- تقابل سازه‌انگاران آمریکا و روسیه در اوکراین
- تاثیر تحولات ژئوپلیتیک اوکراین بر امنیت روسیه از منظر ژئوپلیتیک انتقادی
- جامعه: رشوه از منظر فقه و حقوق جزای ج.ا.ایران، افغانستان
- اهلیت جنایی اشخاص حقوقی
- ژئوپلیتیک اوکراین و منافع قدرت‌های بزرگ
- واکاوی جرم توهین به مقدسات در آموزه‌های قرآنی
- تحلیل سیاسی هفته (۷۲): زورآزمایی نظامی غرب و روسیه بر سر اوکراین
- نقش عوامل غیرمادی در الحاق شبه‌جزیره کریمه به روسیه
- شهادت و شرایط شاهد در قوانین ایران و فقه

عناوین مشابه

- مبانی فقهی و حقوقی جرم توهین به مقدسات
- مبانی فقهی و حقوقی جرم توهین به مقدسات
- جایگاه فقهی، حقوقی جرم اهانت به مقدسات اسلام
- تحلیل فقهی و حقوقی سرایت ناشی از جنایات غیرعمدی به نفس
- جستاری فلسفی در امکان جرم انگاری توهین به عقاید و مقدسات
- تحلیل فقهی و حقوقی آثار تلقیح مصنوعی به وسیله اجاره رحم
- امکان اجبار مستاجر به قلع و قمع اعیانی بعد از انقضاء مدت اجاره (بررسی و تحلیل فقهی - حقوقی ماده ۵۰۴ قانون مدنی)
- تحلیل فقهی حقوقی قواعد و مقررات مربوط به رهن دریایی ایران
- بررسی جرم اهانت به مقدسات مذهبی در قوانین موضوعه و متون فقهی
- تحلیل فقهی - حقوقی اجبار و اکراه در زنا (با رویکردی به لایحه قانونی مجازات اسلامی)

تحلیل فقهی و حقوقی جرم سابّ النبی و توهین به مقدسات

غزاله رفاعی

کارشناسی ارشد حقوق خانواده

چکیده:

جرم توهین به مقدسات یکی از مسائل بسیار مهم در فقه و جوامع اسلامی است که در قوانین موضوعه ما سابقه طولانی ندارد. بنابراین اهانت به مقدسات اسلامی و سابّ النبی از جرایم پیش‌بینی شده در قانون مطبوعات بود که در ماده ۲۶ این قانون برای اولین بار به آن اشاره شد و در قانون مجازات اسلامی در مواد ۵۱۳ قانون تعزیرات و ۲۶۲ و ۲۶۳ قانون مجازات اسلامی به آن پرداخته شده است این جرم اگر چه در بسیاری از احکام و مقررات تابع اهانت ساده می‌باشد اما قواعد خاصی نیز بر آن حکم فرماست که این قواعد را باید از منابع شرعی جست‌وجو کرد. در این پژوهش ما ضمن تحلیل جرم مزبور در مواد مربوطه در قانون مجازات اسلامی به بررسی فقهی و حقوقی آن از منظر آیات و روایات اسلامی و در کلام فقها و حقوق دانان می‌پردازیم.

کلید واژه‌ها: جرم - توهین به مقدسات - سابّ النبی - قانون مجازات اسلامی

مقدمه:

دین اسلام اهمیت و احترام ویژه ای برای مقدسات قائل شده است به گونه ای که هرگونه توهین و تعدی به مقدسات را مستوجب سختترین مجازاتها دانسته است و در این رابطه به تشریح جرائمی از جمله ساب النبی پرداخته است که نشان دهنده حمایت بارز از مقدسات می باشد. به دیگر سخن جرم توهین به مقدسات امروزه با توجه به تحولات اجتماعی و سیاسی موجود در جهان و در جامعه اهمیت زیادی یافته است و مصداق بارز این جرم، ساب النبی است که در ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی به آن اشاره شده است در واقع جرم توهین در قسمت جرایم علیه شخصیت معنوی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد که با توجه به شخصیت مخاطب توهین به نوعی جرم علیه امنیت هم به حساب می آید و با توجه به اینکه اهانت یک عنوان مجرمانه کلی است و مصادیق فراوانی دارد که برخی از مصادیق اهانت به دلیل اهمیتی که دارند به صورت جداگانها با عنوان مجرمانه خاصی در قانون پیش بینی شده است مانند اهانت به مقدسات اسلام یا انبیاء عظام یا ائمه طاهرین (ع) یا حضرت صدیقه طاهره (س) که در مواد ۵۱۳ و ۲۶۲ و ۲۶۳ قانون مجازات اسلامی به آن پرداخت شده است. در واقع پیش از انقلاب اسلامی اهانت به مقدسات به عنوان یک جرم مستقل در قانون مجازات عمومی پیش بینی نشده بود که با پیروزی انقلاب اسلامی به طور خاص این جرم مورد توجه قانونگذار قرار گرفت از جمله در مواد ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۵۸ و بند ۱ و ۷ ماده ۶، ماده ۲۶ و تبصره ماده ۲۷ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ با اصلاحات بعدی آن و ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ به آن پرداخت شد.

مبحث اول: کلیات و مفاهیم

گفتار اول: مفهوم لغوی توهین

اهانت یا توهین واژه‌های عربی است که از ریشه وهن به معنای سستی گرفته شده است.^۱ اهانت در لغتنامه دهخدا به معنی سبک داشتن کسی، خوار و ذلیل گردانیدن - حقیر داشتن - توهین - تحقیر - ذلت و غیره آمده است.^۲

گفتار دوم: مفهوم مقدسات

الف) مقدسات در لغت: مقدسات جمع کلمه مقدسه می‌باشد در واقع در قرآن کریم نیز این کلمه در موارد مختلفی به کار رفته است.^۳ در لغتنامه دهخدا کلمه مقدس به معنای پاک، منزّه و پاکیزه آمده است.^۴

ب) مقدسات در اصطلاح: اموری هستند که در نزد یک دین یا مذهب دارای احترام خاصی است. به گونه‌ای که احترام آنها بر عموم واجب و هتک حرمت آنها بر پیروان آن دین حرام است.

در اسلام اولین مرتبه‌ی قداست برای خداوند متعال است و در مرتبه‌ی بعد پیامبر (ص) به دلیل ارتباط بیشتر با ذات احدیت دارای تقدس و احترام بیشتری هستند و سپس همه‌ی کسانی که به گونه‌ای به آن حضرت منتسب هستند.^۵

ج) مقدسات در آراء فقهای اسلامی: در دیدگاه برخی از فقهای شیعه می‌توان به قاعده‌ی فقهی "حرمت اهانت حُرّمات الله و الإستخفاف بها" و یا حرمت اهانت المحترّمان فی الدین" اشاره کرد که مفاد آن این است که هر چیزی و هر امری که در شرع مقدس اسلام محترم شمرده می‌شود و در دین دارای ارزش و مرتبه است، هتک و بی حرمتی به آن جایز نیست و حرام می‌باشد بنابراین تعظیم شعائر اسلامی از جهات شرعی و قانونی برخوردار است و ملاک در تعیین مقدسات در این خصوص خود شارع است که از طریق

۱- مهدوی، مجید؛ نژادی، پریسا؛ مقاله توهین به مقدسات اسلامی در آینه قانون مجازات ایران، تحقیقات جدید در علوم انسانی، (سال دوم، شماره سوم پیاپی، بهار ۱۳۹۵)، ص ۱۶۱

۲- دهخدا، علیاکبر؛ لغتنامه، جلد پنجم، (چاپ اول، تهران ۱۳۷۳)، ص ۱۱۴۸.

۳- عبادی، احمد، پایان نامه تبیین ماهیت و مبانی جرم توهین به مقدسات، دانشگاه مفید، مرداد ۱۳۸۱، ص ۸

۴- دهخدا، علی اکبر، پیشین، ص ۶۲-۷۸

۵- عبادی، احمد، پیشین، ص ۱۰۱

متون دینی و نصوص شرعی، دیدگاه شارع بدست می‌آید.^۶

گفتار سوم: مفهوم قذف در جرم ساب النبی:

قذف در لغت به معنی رمی یعنی افکندن، انداختن و پرتاب کردن است و در اصطلاح فقهی قذف به عنوان یکی از جرایم مشمول حد عبارت است از نسبت دادن زنا یا لواط و انحراف جنسی به دیگری است. مجازات اصلی قذف مطابق با ماده (۲۵۰) قانون مجازات اسلامی هشتاد تازیانه است. همچنین قذف باید روشن و بدون ابهام باشد. از نکته‌های اشتراک قذف و توهین این است که هر دو از جرایم علیت حیثیت و شرافت معنوی هستند و از نکته‌های افتراق این است که جرم توهین جرم تعزیری است اما جرم قذف از جرایم حدی است.^۷ در واقع قذف یکی از انواع افتراست که در آن جرم مورد استناد زنا یا لواط می‌باشد.^۸ در خصوص شرایط قاذف، مطابق نظریه فقهی حضرت امام خمینی (ره) در قاذف بلوغ و عقل معتبر است پس اگر کودکی نابالغ را قذف کند، حد نمی‌خورد هر چند که بالغ و عاقلی را قذف کند و اگر ممیز باشد به حدی که تأدیب در او تأثیر می‌گذارد طبق نظر حاکم تأدیب می‌شود و در مورد مجنون هم همینگونه است همچنین قاذف باید با اختیار خود قذف کرده باشد و قصد قذف داشته باشد بنابراین اگر منظورش شوخی باشد حد نمی‌خورد.^۹

گفتار چهارم: تعریف و مفهوم حقوقی و اصطلاحی جرم توهین:

در اصطلاح حقوقی توهین عبارت است از هر فعل یا ترک فعلی اعم از گفتار و رفتار و کتابت و اشاره که به نحوی از انحا در حیثیت و شرافت متضرر از جرم وهن وارد آورد.^{۱۰} عنوان توهین یک عنوان کلی است و فحاشی یکی از مصادیق آن است که توهین لفظی نامیده می‌شود.^{۱۱} در توهین الفاظی که به کار برده می‌شود باید در حیثیت طرف مقابل لطمه وارد کند و به عبارتی موجب وهن در حیثیت طرف مقابل شود که در نظر افراد متعارف

۶- احمدزاده، ابوالفضل؛ توهین به مقدسات مذهبی، (مطالعه تطبیقی در فقه اسلامی، حقوق داخلی و بین‌المللی، مجد، چاپ اول، ۱۳۹۴) صفحات

۵۸-۵۵-۵۴

۷- اشرف، صدیقه؛ ساقی، طلعت؛ مقاله جایگاه فقهی، حقوقی جرم اهانت به مقدسات اسلام، فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، (سال پنجم،

شماره نوزدهم، بهار ۱۳۸۸)، ص ۴۹، ۵۲.

۸- میرمحمد صادقی، حسین؛ حقوق کیفری اختصاصی (۱)، جرایم علیه اشخاص، (میزان، تهران، چاپ هجدهم، ۱۳۹۴)، ص ۵۳۶.

۹- خمینی، روحالله؛ تحریرالوسیله، کتاب حدود، جلد چهارم، (موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۹۲) ص ۲۰۷.

۱۰- آقایی‌نیا، حسین؛ حقوق کیفری اختصاصی، (جرایم علیه اشخاص، شخصیت معنوی)، (چاپ هفتم، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۴) ص ۲۲.

۱۱- شاکری، یاسر؛ مقاله توهین به مقدسات در حقوق کیفری ایران، ماهنامه آفاق علوم انسانی، (شماره ششم، مهرماه ۱۳۹۶)، ص ۸۴.

و معمولی جامعه ملاک است.^{۱۲} در واقع معیار و ملاک در جرم توهین عرف است و عمده این است که گفتار یا رفتار فاعل بالقوه و از نظر عرف سبک و وهن آور باشد.^{۱۳} بنابراین اهانت به وسیله الفاظ و گفتار و کردار و حرکات به طور مستقیم صورت می‌گیرد که ملاک تشخیص آن با عرف است. توهین در معنای اخص عبارت است از نسبت دادن هر امر وهن آور اعم از دروغ یا راست به هر وسیله و طریقه‌ای که باشد و یا انجام هر فعل یا ترک فعلی که در نظر عرف و عادت موجب کسر شأن و یا باعث خفیف و پست شدن طرف گردد. در تشخیص جرم توهین عرف نقش راهنمای قاضی را دارد به گونه‌ای که برای تشخیص این جرم از نظر موهن بودن عمل مادی یا زشت و قبیح بودن فحش، مقامات قضایی و دادگاه‌ها در هر مورد، با در نظر گرفتن عرف، عادات، زمان و مکان و شخصیت و وضع اجتماعی طرف، آن عمل توهین‌آمیز را به طور کامل مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌دهند. در واقع طبق نظر اداره حقوقی قوه قضائیه تشخیص آن عمل از نظر عرف با قاضی رسیدگی کننده به پرونده است. بنابراین در این خصوص به صراحت بنقش اساسی عرف در تحقق یا عدم تحقق توهین تأکید شده است. پس از نظر مقررات کیفری اهانت و توهین به کاربردن الفاظی است که صریح یا ظاهر باشد و ارتکاب اعمال و انجام حرکتی که به لحاظ عرفیات جامعه و شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص موجب تخفیف و تحقیر آنان شود و عدم ظهور الفاظ توهین تلقی نمی‌گردد.^{۱۴} بنابراین برای تشخیص اهانت‌آمیز بودن هر رفتاری باید به عرف زمان و مکان رجوع کرد.^{۱۵} در واقع در این جرم عنصر زمان و مکان و شخصیت توهین کننده و توهین شونده از عناصر تشکیل دهنده عرف هستند و عرف در این خصوص نقش مبنایی دارد.^{۱۶}

۱۲ - میر محمد صادقی، حسین، پیشین، ص ۱۶۸.

۱۳ - پاد، ابراهیم؛ حقوق کیفری اختصاصی، (چاپ اول، جلد اول، تهران، دانشور (۱۳۴۷)، ص ۳۴۶.

۱۴ - آقائینیا، حسین؛ حقوق کیفری اختصاصی، (جرائم علیه اشخاص، شخصیت معنوی)، (چاپ هفتم، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۴)، ص ۲۳، ۲۴.

۱۵ - میر محمد صادقی، حسین؛ حقوق کیفری اختصاصی (۱)، جرائم علیه اشخاص، (چاپ هجدهم، میزان، تهران، ۱۳۹۴)، ص ۱۷۰.

۱۶ - آقایی نیا، حسین، پیشین، ص ۲۴، ۲۵.

گفتار پنجم: عناصر تشکیل دهنده جرم توهین به مقدسات و سبّ النبی در قانون:

الف) عنصر قانونی: عناصر قانونی جرم توهین به مقدسات، سبّالنبی عبارتند از: ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ "هرکس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیاء عظام یا ائمه طاهرین علیه السلام یا حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت نماید، اگر مشمول حکم سبّالنبی باشد اعدام می شود و در غیر اینصورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد."

ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در فصل حدود "هرکس پیامبر اعظم (ص) و یا هر یک از انبیاء عظام الهی را دشنام دهد یا کذب کند سبّالنبی است و به اعدام محکوم می شود.

تبصره: کذب هر یک از ائمه معصومین (ع) و یا حضرت فاطمه زهرا (س) یا دشنام به ایشان در حکم سبّ نبی است.

ماده ۲۶۳ ق مجازات اسلامی: "هرگاه متهم به سب، ادعا نماید که اظهارات وی از روی اکراه، غفلت، سهو یا در حال مستی یا غضب با سبق لسان یا بدون توجه به معانی کلمات و یا نقل قول از دیگری بوده است سبّالنبی محسوب نمی شود."

تبصره: هرگاه سب در حالت مستی یا غضب یا به نقل از دیگری باشد و صدق اهانت کند موجب تعزیر تا هفتاد و چهار ضربه شلاق است.

ماده ۲۶ ق مطبوعات (قانون مجازات سابق): "هرکس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند در صورتی که به ارتداد منجر شود، حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا و اگر به ارتداد نینجامد، طبق نظر حاکم شرع براساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد."

این مواد، عناصر قانونی است که توسط قانونگذار در خصوص جرم توهین به مقدسات و سبّ نبی جرم انگاری شده است به این صورت که در سال ۱۳۶۴ قانونگذار با تصویب قانونی جدید در مورد مطبوعات، جرم توهین به مقدسات را به صورت صریح در ماده ۲۶ پیش بینی نمود و در آخر برای جلوگیری از آرای متفاوت قانونگذار در سال ۱۳۷۵ در ماده ۵۱۳ به جرم انگاری این جرم به صورت ویژه پرداخت.

ب) عنصر مادی:

اجزا مشترک رکن مادی جرم توهین به صورت مشترک در انواع توهین شامل رفتار مرتکب، مشخص بودن طرف، بیتأثیری صحت و سقم اظهارات توهین آمیز، موهن بودن

رفتار مرتکب و مطلق بودن آن است. در واقع با تصریح قانونگذار رفتار مرتکب باید به صورت فعل محقق گردد به گونه‌ای که در قالب به کاربردن لفظ، کتابت، تصویر، نمایش کاریکاتور یا دستکاری در عکس و یا هر اقدام عملی دیگر که متضمن مفهوم روشن و بدون ابهام قذف و یا دشنام باشد. همچنین وسیله ارتکاب می‌تواند سینما، تئاتر، کتاب، رایانه و غیره باشد.^{۱۷} به عنوان مثال اعمالی از قبیل فحاشی، اسناد مجرمانه و خلاف عفت و اخلاق حسنها انکار رسالت انبیای عظام یا تخریب و آلوده کردن زیارتگاه‌های مذهبی یا مقابر متبرکها مساجد و هم چنین آلوده کردن قرآن و پاره کردن و سوزاندن آن، در صورتی که به قصد توهین باشد در نزد همه افراد به عنوان عمل توهین‌آمیز شناخته می‌شود و در مورد موهن بودن آنها تردیدی نیست.^{۱۸} رفتار فیزیکی لازم برای تحقق جرم توهین قابل بحث است و برای کیفری محسوب شدن چگونگی توهین فعل مثبتی باید از مرتکب سربرزند. بنابراین تشخیص توهین‌آمیز بودن یک عمل در مواردی مشکل و حساس می‌باشد ولی غالب حقوقدانان قبول کرده‌اند که ترک فعل را نیز می‌توان مصداق توهین دانست به این صورت که با توجه به عام بودن جرم توهین می‌توان فحاشی و ناسزای خفت‌آور و یا ترک ادب را از مصادیق توهین محسوب نمود.^{۱۹} با این حال در خصوص جرم توهین به مقدسات به صرف ترک فعل بودن یک عمل نمی‌توان در خصوص آن تصمیم‌گیری کرد بلکه این عرف است که در مورد توهین بودن یک ترک فعل، مانند خودداری از ذکر صلوات در هنگام ادای نام پیغمبر (ص) یا ائمه اطهار قضاوت خواهند نمود از این رو نمی‌توان برای همه موارد قائل به حکم کلی شد.^{۲۰}

ج) عنصر معنوی:

جرم توهین یک جرم عمدی است و ارتکاب غیر عمدی آن در حقوق جزاء پیش‌بینی نشده است بنابراین تحقق عنصر عمد در جرم توهین منوط به آن است که مرتکب عمد در ارتکاب رفتار موهن نسبت به دیگری را داشته باشد که این امر مستلزم آن است که مرتکب اولاً: در ارتکاب فعل خود عامد باشد و در حالت خواب، بیهوشی و مستی و نظایر اینها نباشد. ثانیاً: از موهن بودن رفتار خود آگاه باشد لیکن وجود سوء نیت خاص در مرتکب ضروری نیست.^{۲۱} بنابراین آگاهی مرتکب به موهن بودن رفتار ارتكابی شرط ضروری رکن معنوی جرم توهین است که علاوه بر آن رفتار ارتكابی باید نسبت به

۱۷ - آقائینیا، حسین؛ حقوق کیفری اختصاصی، (جرایم علیه اشخاص، شخصیت معنوی)، (چاپ هفتم، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۴)، ص ۲۶، ۶۹
۱۸ - شامیانی، هوشنگ؛ حقوق کیفری اختصاصی، (چاپ دهم، جلد اول، مجد، تهران ۱۳۸۴)، ص ۵۴۱.

۱۹ - همان، ص ۳۷۵، ۴۷۲.

۲۰ - پیمان، ضیاءالدین؛ حقوق کیفری اختصاصی (۳)، (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی)، (چاپ نهم، میزان، تهران ۱۳۹۲)، ص ۷۹.
۲۱ - میرمحمد صادقی، حسین؛ حقوق کیفری اختصاصی (۱)، (جرایم علیه اشخاص، میزان، تهران، ۱۳۹۴)، ص ۴۹۳.

طرف مقابل موهن باشد اگر چه آگاهی شنوندها طرف توهین از موهن بودن شرط نیست همچنین مرتکب باید در ارتکاب رفتار خود قاصد باشد. که این موارد به صورت مشترک در انواع توهین است اما در خصوص رکن معنوی جرم سب نبی و توهین به مقدسات باید گفت داشتن علم، قصد و شرایط مسئولیت کیفری و آگاهی از حرمت شرعی رفتار ارتكابی از اجزا رکن معنوی این جرم است که علاوه بر آن توجه و آگاهی مرتکب به معانی کلمات هم باید وجود داشته باشد. لذا صرف دشنام و قذف کافی برای تحقق این جرم نخواهد بود بلکه علم به مفهوم دشنام و قذف و آگاهی از شخصیت طرف و قصد در رفتار نسبت به آن اشخاص ملاک است و از آن جاییکه لازمه اجرای حد عقل، بلوغ، اختیار و علم به حرمت شرعی رفتار ارتكابی است بنابراین در این جا علم به مفهوم دشنام یا قذف در زمان ارتکاب جرم توهین به مقدسات لازم است.^{۲۲} پس اگر فردی نسبت به اهانت آمیز بودن یک عمل، آگاهی نداشته باشد و آن را مرتکب شود، عمل او توهین محسوب نخواهد شد علاوه بر این شخص در هنگام توهین باید به قداست چیزی که مورد اهانت قرار می‌دهد آگاهی داشته باشد مثلاً اگر نام پیامبری را سب کند درحالی که نمی‌داند او پیامبر است در این صورت مرتکب سب النبی نشده است. البته علم اجمالی هم در این خصوص کافی خواهد بود، بنابراین اگر میدانند که این امور در نزد مسلمانان دارای قداست و احترام است همین میزان علم برای تحقق این شرط کافی خواهد بود.^{۲۳}

گفتار ششم: انواع جرم توهین در حقوق کیفری

توهین عام:

مراد از این نوع توهین همان معنای عرفی آن است که عبارت است از هر فعل یا ترک فعلی که به نحوی در حیثیت و شرافت طرف جرم، خدشه وارد کند از قبیل جرایم افتراء، نشر اکاذیب، قذف، سب و هجو.

توهین خاص:

عبارت است از اعمالی که توسط قانونگذار به عنوان جرم توهین مورد تصریح قرار گرفته است مانند توهین به افراد عادی، توهین به بانوان، توهین به مقدمات رسمی و نمایندگان

۲۲ - آقائینیا، حسین؛ حقوق کیفری اختصاصی، (جرایم علیه اشخاص، شخصیت معنوی)، (چاپ هفتم، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۴)، ص ۳۶، ۶۹، ۷۰.

۲۳ - اصغری، سید شکرالله؛ سیستم کیفری اسلام و پاسخ به شبهات آن، (چاپ اول، نشر بعثت، تهران ۱۳۷۲)، ص ۹۰.

سیاسی ممالک خارجی و توهین به مقدسات موضوع ماده ۵۱۳ که مورد بحث ما می باشد. توهین خاص خود به دو دسته تقسیم می شود: توهین ساده و توهین مشدد که این تقسیم بندی با توجه به وسیله ارتکاب جرم یا طرف جرم انجام شده است.

۱-۲ توهین ساده: که عبارت است از توهین به افراد عادی که موضوع ماده ۶۰۸ قانون تعزیرات اسلامی می باشد و از خفیفترین انواع توهین از حیث ویژگی و نتیجه است.

۲-۲ توهین مشدد: قانونگذار با وجود اینکه توهین به افراد در ماده ۶۰۸ ق مجازات اسلامی پیشبینی کرده است با این وجود نسبت به برخی اشخاص و مسائل احترام و ویژه های قائل شده است و توهین به آنها را در مواد جداگانه ای آورده است و برای مرتکب مجازات سخت تری پیش بینی کرده است که از آن جمله به ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی می توان اشاره کرد که در واقع در این ماده توهین مشدد به اعتبار قداست طرف توهین موضوع بحث ما است.^{۲۴}

مبحث دوم: جرم توهین به مقدسات و سبّ النبی

گفتار اول: موضوع و مصداق جرم توهین به مقدسات و سبّ النبی (موضوع مواد ۵۱۳، ۲۶۲، ۲۶۳ قانون مجازات اسلامی)

مقدسات اسلام را قانونگذار تعریف و احصاء نموده است و تشخیص آن را به نظر پیشوایان، فقها و مبلغین علوم دین و عرف محوّل نموده است.^{۲۵} به طور قطع قرآن مجید، وجود مبارک حضرت محمد(ص) و دختر گرامی ایشان حضرت فاطمه زهرا(س) و دوازده امام شیعیان و مرقد مطهر هر یک از شخصیت های مزبور که زیارتگاه پیروان دین مبین اسلام است و مکه مکرمه که زیارتگاه خداوند سبحان است از جمله مقدسات دین مبین اسلام است.^{۲۶} سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که منظور از انبیاء عظام چیست؟ و مقصود از این صفت عظیم بودن منظور چه انبیایی است؟ در اینجا دو نظر مطرح می شود: یک نظر این است که منظور از آن پنج پیامبر اولوالعظم است که صاحب شریعت اند از جمله: حضرت محمد(ص)، حضرت ابراهیم، حضرت نوح، حضرت موسی و حضرت عیسی است که در واقع این پنج پیامبر از لحاظ رسالت الهی بالاترند.

۲۴ - احمدزاده، ابوالفضل: توهین به مقدسات مذهبی، (مطالعه تطبیقی در فقه اسلامی، حقوق داخلی و بین المللی، چاپ اول، مجد تهران، ۱۳۹۴)، ص ۴۲-۴۳-۴۴

۲۵ - پیمانی، ضیاءالدین: حقوق کیفری اختصاصی (۳)، (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی)، (چاپ نهم، میزان، تهران ۱۳۹۲)، ص ۷۹

۲۶ - گلدوزیان، ایرج: حقوق جزای اختصاصی، (چاپ هشتم، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰)، ص ۴۹۹.

نظر دیگر این است که منظور صد و بیست و چهار هزار پیغمبر فرستاده شده است که آخرین آنها حضرت محمد(ص) پیامبر مسلمانان است که از همه این پیامبران نام و نشان باقی نیست.^{۲۷} بنابراین باید نبی بودن براساس آموزه‌های اسلامی مشخص باشد لذا شخص خارج از این عنوان را مشمول نمی‌شود. به نظر میرسد منظور از مقدسات اسلام موضوع این جرم در درجه اول ذات باری تعالی و پس از آن همه مکانها و چیزها و اشخاصی هستند که از لحاظ موازین دین اسلام مقدس و قابل احترام محسوب میشوند مثل قرآن کریم یا کعبه، مزار پیامبر و امامان و یا شخصیت‌های مورد احترام سایر مذاهب که از نظر اسلام واجب التعظیم هستند مثل حضرت مریم و یاهاجر(س) و یا شخصیت‌های مذهبی مثل حضرت ابوالفضل، حضرت علی اکبر یا حضرت زینب یا خدیجه (س).^{۲۸} بنابراین توهین به مقدسات می‌تواند شامل توهین به افراد و یا مکانهای مقدس مثل مسجدالحرام یا حرم امامان معصوم و توهین به اشیاء و آموزه‌های مقدس باشد. سوالی که در اینجا پیش می‌آید این است که آیا مقدسات اسلام شامل غیر معصومان هم می‌شود یا خیر؟ و منظور از مقدسات اسلام چه چیزی است؟ آیا منظور شخصیتی است که برای کل مسلمانان محترم باشد یا شامل افراد دیگری هم می‌شود؟ که در اینجا چند دیدگاه مطرح می‌شود: طبق یک نظر گفته می‌شود منظور مقدسات شیعه است که از فحوای ماده استفاده میکنیم. نظر دیگری می‌گوید مقدسات همه مذاهب مقصود است و فرقی نمی‌کند و نظر سوم می‌گوید اینجا مقدسات اسلام منظور است. در واقع لفظ مقدسات معمولاً به ارزشهای مورد احترام یک دین گفته می‌شود به گونه‌ای که احترام آنها بر عموم واجب و هتک حرمت آنها بر پیروان آن دین حرام است اعم از اشخاص مانند انبیاء و اوصیاء یا اماکن مانند: کعبه، مسجدالحرام، بیت المقدس و سایر مساجد و یا اشیاء مانند کتب آسمانی.^{۲۹}

بنابراین مطابق متن صریح ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی منظور از مقدسات اسلام یعنی دشنام و توهین به مقدسات اسلام و اهانت به مقدسات سایر ادیان و مذاهب با توجه به تصریح ماده مشمول این حکم قرار نمی‌گیرد مگر اینکه جزء مقدسات اسلام به حساب

۲۷ پیمانی، ضیاء الدین، حقوق کیفری اختصاصی (۳)، (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی)، (چاپ نهم، میزان، تهران ۱۳۹۲)، ص ۷۹

۲۸ - میرمحمد صادقی، حسین؛ حقوق کیفری اختصاصی (۱)، جرایم علیه اشخاص، (چاپ هجدهم، میزان، تهران، ۱۳۹۴)، ص ۵۱۳.

۲۹ - حسین دشتی، سید مصطفی؛ معارف و معاریف دایره‌المعارف جامع اسلامی، جلد نهم، (چاپ سوم، آرایه، تهران ۱۳۸۵) ص ۵۵۴.

آیند و مقصود از مقدسات اسلام هم تمامی اماکن و شخصیت‌هایی است که از نظر مسلمین واجب الاحترام هستند. در خصوص واژه عظام باید گفت از آن جایی که این واژه برای بزرگداشت به کار رفته است و مقصود صد و بیست چهار هزار نفر از پیامبران الهی بوده است.^{۳۰} بنابراین طبق نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه در این خصوص فرقی بین پیامبر اسلام، حضرت محمد(ص) و سایر انبیاء عظام نیست.^{۳۱} البته اگر در این خصوص در مورد برخی از مصادیق مقدسات اسلام تردید وجود داشته باشد باید نظر و دیدگاه علما و مجتهدین جامع‌الشرایط اخذ گردد.^{۳۲}

گرچه در کتب فقهی تفاوت میان سب و اهانت دقیقاً روشن نشده است و فقها صریحاً نگفته‌اند چه لفظی سب و چه عملی اهانت است و با مراجعه به آرا فقها نظرات متفاوتی پیرامون بحث سب النبی ارائه شده است به عنوان نمونه صاحب جواهر الکلام و فاضل هندی در کشف اللثام سب‌النبی را شامل ائمه اطهار (ع) و پیامبر دانسته‌اند در حالی که صاحب جامع الشرائع تنها پیامبر و حضرت علی (ع) را مشمول حکم سب‌النبی دانسته است. امام خمینی در تحریر الوسیله می‌فرماید: الحاق صدیقه طاهره به فرزنداناش از ائمه اطهار خالی از وجه نیست بلی اگر دشنام به صدیقه طاهره به دشنام به رسول الله برگردد بدون شبهه دشنام دهنده کشته می‌شود که در واقع با مراجعه به ماده ۵۱۳ ق مجازات اسلامی ملاحظه می‌شود که این ماده با امعان نظر به فتوای حضرت امام تدوین شده است.^{۳۳}

گفتار دوم: تمایز و تفاوت بین اهانت و دشنام و یا سب النبی در (مواد ۲۶۲ و ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی)

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که در چه مواردی بایستی عمل مرتکب را دشنام یا سب‌النبی دانست در چه مواردی مشمول اهانت است؟

۳۰ - الهمینش، محمدرضا؛ مرادی اوجقاز، محسن؛ حقوق کیفری اختصاصی، (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی)، (چاپ اول، مجده، تهران ۱۳۹۴)، ص ۲۵۳.

۳۱ - نظریه مشورتی شماره ۴۹۵/۷ - ۵/۶/۱۳۸۲ اداره حقوقی قوه قضائیه.

۳۲ - الهمینش، محمدرضا؛ مرادی اوجقاز، محسن، پیشین، ص ۲۵۴.

۳۳ - صالحی، فاطمه؛ مقاله توهین به مقدسات و خلأهای قانونی موجود در قانون مجازات اسلامی، مجله معرفت، (شماره ۸۵، دی ۱۳۸۳)، ص ۷۰.

از آن جایی که سب در لغت به معنای دشنام و اهانت است که می‌تواند در قالب هر لفظ اهانت‌آمیز و دشنامی محقق گردد که برای تشخیص آن باید دید الفاظ به کار برده شده موجب تحقیر شخصیت پیامبر (ص) گردیده است یا نه. ظاهر کلام فقها این است که به معنای لغوی سب اکتفا کرده و آن را به صورت مطلق در نظر بگیریم که این امر در روایات و سخنان فقها مورد تأکید قرار گرفته است و هیچ یک از فقیهان آن را بر قذف حمل نکرده‌اند بلکه به معنای لغوی آن که دشنام است نظر نموده و هرگونه اهانتی به پیامبر (ص) را مشمول عنوان سب‌النبی و مجازات اعدام دانسته‌اند. در واقع در صورتی که اهانت یا دشنام موجب تحقیر و سبک شمردن شخصیت پیامبر اسلام (ص) گردد مثل نوشتن مطلبی اهانت‌آمیز در روزنامه‌ها ساختن فیلم توهین‌آمیز نسبت به ساحت مقدس پیامبر (ص)، مرتکب به عنوان سب‌النبی شناخته می‌شود و در غیر اینصورت براساس ماده ۵۱۳ ق م اسلامی "تعزیرات مصوب ۱۳۷۵" حکم خواهد شد. که دادگاه در این خصوص شرایط و اوضاع و احوال ارتکاب جرم، شخصیت مرتکب، نحوه اهانت و غیره را مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین استفتایی در این مورد از مقام معظم رهبری شده است بدین بیان که اگر شخصی بگوید دین و قرآن دروغ است گرچه این کلمات سب نیست اما مشمول ارتداد است مگر اینکه معلوم شود از روی جد نبوده است. بنابراین باید بین اهانت ساده و دشنام فرق قائل شد.^{۳۴} گرچه ماده ۲۶۲ تعریفی از سب نبی، ارائه نکرده است و مصادیق آن را در عنوان دشنام یا قذف محدود نموده است اما باید گفت دشنام دادن مترادف فحاشی و استعمال الفاظ رکیک است و در عرف دارای مفهومی روشن است بنابراین شامل هر اهانتی نیست پس اهانت‌هایی که دشنام، فحش یا الفاظ رکیک محسوب نشوند از شمول سب‌نهی خارج هستند بنابراین مطلق توهین را نمی‌توان سب محسوب نمود.^{۳۵} از نظر منطقی، نسبت میان توهین و سب عموم و خصوص مطلق است که در واقع توهین اعم از سب خواهد بود یعنی هر سب توهین قلمداد می‌شود اما هر توهینی سب تلقی نمی‌شود چرا که سب همیشه در قالب الفاظ مختلف ادا می‌گردد اما توهین گاه به صورت قولی و زمانی هم به صورت فعلی یا ترک فعل خواهد بود.^{۳۶}

۳۴- الهیمنش، محمدرضا؛ مرادی اوجقاز، محسن؛ حقوق کیفری اختصاصی، (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی)، (چاپ اول)،

مجد، تهران ۱۳۹۴، ص ۲۵۵، ۲۵۶

۳۵ - آقایی‌نیا، حسین؛ حقوق کیفری اختصاصی، (جرایم علیه اشخاص، شخصیت معنوی)، (چاپ هفتم، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۴)، ص ۶۸.

۳۶ - احمدزاده، ابوالفضل؛ توهین به مقدسات مذهبی، (مطالعه تطبیقی در فقه اسلامی، حقوق داخلی و بین‌المللی، چاپ اول، مجد، تهران،

۴۹۳۱)، ص ۳۸.

پس در واقع سبّ نوعی خاص از توهین است به این بیان که تمام موارد توهین به معصومین(ع) که به حدّ سبّ برسد، توهین به مقدسات خواهد بود ولی توهین به مقدساتی غیر از معصومین و حتی توهین به معصومین(ع) در صورتی که به حدّ سبّ نرسد، جرم سبّ‌النبی نخواهد بود. بنابراین در مواردی که هر دو عنوان مجرمانه صادق باشد از نظر مجازات با لحاظ منطوق ماده ۵۱۳ ق مجازات اسلامی، مجازات جرم سبّ‌النبی یعنی اعدام ملاک اعتبار و قابل اجرا خواهد بود و در موارد دیگر، مجازات جرم توهین به مقدسات اجرا می‌شود در واقع برخی از حقوقدانان این احتمال را داده‌اند که اگر توهین یا دشنام نسبت به پیامبر اسلام(ص) صورت بگیرد مجازات آن قتل است و اگر توهین نسبت به مقدسات اسلام یا انبیاء اعظام یا ائمه(ع) یا حضرت زهرا(س) صورت بگیرد مجازات حبس از یک تا پنج سال بر آن مترتب می‌شود که این امر با رویکرد قانونگذار در تبصره ماده ۲۶۲ ق مجازات اسلامی همخوانی ندارد چرا که کذب یا دشنام به ائمه معصومین(ع) و فاطمه زهرا(س) را در حکم سبّ‌النبی قلمداد کرده است علاوه بر این برخی از فقها تصریح کرده‌اند که سبّ پیامبر و سایر ائمه موجب قتل است ولی نسبت قبیحی به این افراد دادن موجب مجازات شلاق می‌شود که این امر با محدودیت معنای سب نسبت به توهین سازگار می‌باشد.^{۳۷}

گفتار سوم: رابطه سبّ النبی و ارتداد: (آیا سبّ‌النبی لزوماً باعث ارتداد می‌شود؟)

دیدگاه غالب در مذاهب عامه آن است که سبّ‌النبی منجر به ارتداد می‌شود و در صورتی که سبّ توبه کند به قتل نمی‌رسد و در میان فقهای امامیه متقدم کسانی هم چون شیخ مفید و علامه حلی قائل به ارتداد سبّ هستند و در میان فقهای متأخر نیز کسانی هم چون شهید ثانی سبّ انبیاء و نبی اسلام(ص) را باعث ارتداد می‌دانند. از طرف دیگر برخی فقها قائل به تمییز شده‌اند به گونه‌ای که بیان می‌دارند در بعضی از عبارات سبّ‌کننده مرتد است و در بعضی دیگر وجوب تعظیم به ائمه و پیامبر را ضروری دین دانسته‌اند و آن فرد این ضروری را انکار کرده است به بیان دیگر اموری مانند عدم تعظیم و احترام به ائمه که از ضروریات دین اسلام است در صورتی باعث ارتداد می‌شود که همراه با انکار آن امر ضروری باشد نه لزوماً صرف عدم تعظیم و احترام. در مجموع می‌توان گفت علیرغم آن که از دیدگاه برخی از فقها سبّ‌النبی در حکم مرتد است لیکن به دلیل تفاوت‌های میان

حکم مرتد و سباب النبی، نمی‌توان این دو را یکی دانست از جمله مهم ترین تفاوت‌ها، تفاوت در اجرای حکم است که از دیدگاه غالب فقها حکم مرتد تنها از طریق حاکم اجرا شده لیکن سباب‌النبی توسط شنونده نیز قابل اجراست. دوم تفاوت در پذیرش توبه است به گونه‌ای که توبه مرتد ملی و زن در ارتداد پذیرفته شده لیکن در سباب‌النبی تفاوتی از این حیث وجود ندارد و سوم از جهت شخص محکوم علیه است که غیر مسلمان بودن و زن بودن در ارتداد به ترتیب موجب برائت و تخفیف بوده در حالی که در سباب‌النبی اینگونه نیست اگرچه برخی از فقها همچون مرحوم شیخ مفید علی‌رغم آن که سباب‌النبی را مرتد دانسته‌اند اما قتل او را توسط شنونده سب و بدون اذن امام جاز نمی‌دانند که این دیدگاه برخلاف نظر بسیاری از فقهای دیگر هم چون مرحوم شیخ طوسی، ابن ادریس و محقق حلی است که قتل سباب را در صورت عدم خوف ضرر جانی برای شخص شنونده جایز دانسته‌اند.^{۳۸} سئوال دیگری که می‌توان در خصوص رابطه بین توهین به مقدسات و سباب‌النبی با ارتداد مطرح کرد این است که اگر رفتاری توهین به مقدسات باشد اگر به کفر بیانجامد از حیث انکار دین آیا باید آن را در حکم ارتداد دانست و حد ارتداد را در موردش جاری کرد یا اینکه آن را مضمول ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات بدانیم و یا اینکه این عمل واحد را هم شامل ارتداد و هم شامل ماده ۵۱۳ بدانیم؟ به نظر می‌رسد این عمل را باید شامل ماده ۵۱۳ بدانیم به این دلیل که اگر بگوییم شخص مرتکب عمل واحدی شده است که چند عنوان مجرمانه بر آن صدق می‌کند و سپس مجازات اشد را اعمال کنیم در رد این باید گفت که طبق ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی تعدد معنوی یعنی عمل واحد و صدق آن بر چند عنوان مجرمانه فقط در جرایم تعزیری وجود دارد در حالی که در این جا یک جرم حدی است و دیگری جرم تعزیری است که مورد اطلاق قرار گرفته است بنابراین تعدد معنوی در این خصوص جاری نمی‌شود از طرف دیگر نمی‌توانیم بگوییم به استناد ماده ۱۳۵ ق مجازات اسلامی، مجازات حدی ارتداد و مجازات تعزیری توهین به مقدسات (ماده ۵۱۳ ق تعزیرات) با هم جمع می‌شوند بنابراین باید گفت اولاً ارتداد از جمله جرایم حدی است که در قانون نیامده که مطابق ماده ۲۲۰ در خصوص حدودی که در قانون نیامده باشد باید به اصل ۱۶۷ قانون اساسی مراجعه کرد بدین صورت که "قاضی باید حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیاید و اگر نیاید باید از منابع و فتاوی

۲۸- صبوچی، رحمان؛ هاشمی، حسین؛ مقاله مستندات فقهی اصل قانونمندی و قضامندی در جرم سباب‌النبی، پژوهشنامه حقوق کیفری، (سال هشتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۶)، ص ۱۷۵-۱۷۴-۱۷۳.

معتبر استفاده کند.

"از طرف دیگر مطابق اصل ۳۶ ق اساسی "حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد" بدین صورت که در منابع حقوق، قانون نسبت به فتاوی فقها در اولویت است و در طول یکدیگر هستند نه در عرض هم یعنی ابتدا باید در خصوص موضوعی به قانون مراجعه کنیم و اگر حکم آن موضوع را در قانون نیافتیم به سراغ منابع و فتاوی معتبر برویم بنابراین در خصوص این سؤال باید گفت چون حکم موضوع ما در قانون مدون وجود دارد که همان ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات است دیگر به سراغ حد ارتداد که در فتاوی معتبر حکم آن بیان شده است نمیرویم.

گفتار چهارم: بررسی پیرامون شرایط تحقق جرم موضوع مواد ۵۱۳ قانون تعزیرات و ۲۶۲ و ۲۶۳ قانون مجازات اسلامی:

در ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات، قانونگذار از واژه هرکس استفاده کرده است بنابراین شامل تمامی افراد اعم از ایرانی و بیگانه، مسلمان و غیرمسلمان می‌گردد.^{۳۹} بنابراین حکم ماده ناظر به همه افراد است و مرتکب جرم خصوصیتی ندارد پس اگر شخص مسلمان یا غیرمسلمان و ایرانی یا غیرایرانی مرتکب این جرم شود، مشمول حکم این ماده خواهد بود. از دیگر شروط تحقق این جرم آن است که احراز شود توهین نسبت به مقدسات اسلام یا دیگر افرادی که در این ماده ذکر شده است، محقق گردیده است. بنابر آنچه در خصوص مقدسات تعریف و ذکر شده است منظور از مقدسات در این ماده در درجه اول ذات باری تعالی و پس از آن همه مکانها و چیزها و اشخاصی هستند، که از لحاظ موازین دین اسلام مقدس و قابل احترام میباشند. اگرچه به نظر می‌رسد در این ماده قانونگذار با ذکر کلمه مقدسات اسلام، نیازی نبود برخی از مصادیق آن را به صورت جداگانه بیان می‌کرد با این حال ذکر این موارد خاص از جمله انبیسای عظام، ائمه طاهرین، صدیقه طاهره (س)، به دلیل اهمیت والای این چند مصداق، آنها را از باب ذکر خاص بعد از عام بیان کرده است. علاوه بر آن در تحقق این جرم باید موارد ذکر شده در ماده احراز گردد به این معنی که مرتکب به موردی توهین کرده باشد که جز مقدسات یقینی اسلام و جز مقدسات یقینی شیعه باشد همچنین تمام مذاهب اسلامی در مقدس بودن آن اتفاق

۳۹ - گلدوزیان، ایرج؛ حقوق جزای اختصاصی، (چاپ هشتم، دانشگاه تهران ۱۳۸۰)، ص ۴۹۸.

نظر داشته باشند مانند ذات اقدس الهی (ص) و غیره.^{۴۱} در این ماده حمایت قانونگذار از پیروان ادیان دیگر به دو مورد محدود شده است: اولاً حمایت از پیامبر آنها به این شرط که آن پیامبر از دیدگاه اسلامی جز پیامبران الهی محسوب گردد و دوم آنکه آن دسته از مقدسات که آنها جز مقدسات اسلام هم محسوب گردند از همین رو این ماده مورد نقد قرار می‌گیرد که چرا دامنه حمایت خود را به تمامی مقدسات سایر مذاهب تسری نداده است در حالی که اهانت به باورهای مذهبی دیگران علاوه بر آنکه کاری خلاف اخلاق سلیم و وجدان بشری است می‌تواند موجب بروز اختلال در امنیت داخلی و حتی خارجی کشور شود و بنابراین برخورد مناسب با توهین کننده، آرامش را به پیروان مذهب مورد اهانت برگرداند و از به هم خوردن امنیت کشور جلوگیری می‌کند.^{۴۱} در مورد اهانت باید گفت قانونگذار اهانت را تعریف نکرده است و ظاهراً تشخیص آن را به عرف واگذار نموده است که مصادیق آن در هر زمان و مکان نزد هر طائفه و جامعه و هر کیش و مذهب متفاوت است.^{۴۲} همچنین برای تحقق جرم مزبور در این ماده قصد خاص اهانت به مقدسات مذهبی لازم است و بیتوجهی و اظهار نظر مبنی بر اشتباه مشمول جرم توهین به مقدسات مذهبی نمی‌باشد.^{۴۳} و از آنجایی که نیازمند سوءنیت و تعدد در عمل می‌باشد علاوه بر قصد، هدف تحقیر هم به عنوان سوءنیت خاص جز شرایط تحقق این جرم دانسته‌اند.^{۴۴} بنابراین شک و تردید در تشخیص علم و عمد متهم در اهانت به مقدسات مذهبی، بنابر قاعده تدرأ الحدود بالشبهات مقتضی اعلام برائت متهم می‌باشد.^{۴۵} از طرف دیگر صرف دارا بودن اعتقادات باطل و عدم پذیرش احکام اسلامی، اهانت به مقدسات اسلامی موضوع این ماده نمی‌باشد بلکه فعل و لفظی که متضمن توهین باشد، باید ارتکاب یابد.^{۴۶} ماده ۲۶۲ ق مجازات اسلامی و تبصره آن سب‌النبی را به معنی دشنام دادن یا قذف کردن پیامبر اسلام (ص) یا هر یک از انبیای عظام الهی دانسته است و در تبصره آن قذف هر یک از ائمه معصومین یا حضرت فاطمه (س) یا دشنام به ایشان را در حکم سب‌النبی دانسته است که از شرایط تحقق این جرم است بنابراین هر اهانتی که به این حد نرسد سب‌النبی محسوب نخواهد شد.^{۴۷} اگرچه ایرادی که به این ماده وارد است آن است که قانونگذار تعریفی از سب‌النبی ارائه نکرده است به این صورت که در چه صورتی صدق

۴۱- شاکری، یاسر؛ مقاله توهین به مقدسات در حقوق کیفری ایران، ماهنامه آفای علوم انسانی، (شماره ششم، مهرماه ۱۳۹۶)، ص ۹۳، ۹۴.

۴۱- میرمحمد صادقی، حسین؛ حقوق کیفری اختصاصی (۱)، جرایم علیه اشخاص، (چاپ هجدهم، میزان، تهران، ۱۳۹۴)، ص ۵۱۴.

۴۲- پیمانی، ضیاء الدین، حقوق کیفری اختصاصی (۲)، (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی)، (چاپ نهم، میزان، تهران ۱۳۹۲)، ص ۷۸.

۴۳- گلدوزیان، ایرج؛ محشای قانون مجازات اسلامی، (چاپ هفتم، مجد، تهران ۱۳۹۶)، ص ۲۵۱.

۴۴- مصدق، محمد؛ شرح قانون مجازات اسلامی، جلد سوم، (چاپ دهم، انتشارات جنگل، تهران ۱۳۹۶)، ص ۲۶۸.

۴۵- گلدوزیان، ایرج؛ محشای قانون مجازات اسلامی، ص ۲۵۱.

۴۶- مصدق، محمد، پیشین، ص ۲۶۸.

۴۷- میرمحمد صادقی، حسین؛ پیشین، ص ۵۱۷.

توهین می‌کند که مشمول ماده ۵۱۳ قرار گیرد و مصادیق گفته شده در ماده به دشنام و قذف محدود شده است. در خصوص ماده ۲۶۳ باید گفت مبنای شرعی این ماده قاعده تدرأ الحدود باشبهات می‌باشد به گونه‌ای که صرف ادعای مرتکب مبنی بر اینکه اظهارات وی از روی اکراه، غفلت، سهو یا در حال مستی یا غضب یا سبق لسان یا بدون توجه به معنی کلمات و یا نقل قول از دیگری بوده است، موجب سقوط حد شده و سب‌النبی محسوب نمی‌شود. بنابراین شرط تحقق موضوع این ماده صرف ادعای مرتکب بوده و همواره احتمال صدق گفتار مدعی مفروض است.^{۴۸}

گفتار پنجم: جرم توهین به مقدسات و ساب‌النبی در کلام فقها و آیات و روایات

اسلامی:

فقه‌های اسلامی با توجه به آیات و روایاتی که در کتب فقهی در خصوص جرم توهین آمده است به بررسی تحلیلی و مصداقی عناوینی همچون سب‌النبی پرداخته‌اند در واقع در فقه اسلامی جرمی تحت عنوان توهین یا اهانت مورد تحلیل و تبیین آراء فقها قرار نگرفته است بلکه این اصطلاح در فقه کیفری با کلمات و عبارتی همچون قذف و سب که از جرایم حدی هستند شناخته شده‌اند.^{۴۹} واژه سب در قرآن کریم در سوره انعام آیه ۱۰۸ به کار رفته است که می‌فرماید: "ولا تسبوا الذین یدعون من دون الله فیسبوا الله عدوا بغير علم کذلک زینا لکل امه عملهم ثم الی ربهم مرجعهم فینبهم بما کانوا یعملون" "معبود کسانی را که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید مبدا آنها از روی ظلم و جهل خدا را دشنام دهند، اینچنین برای هر امتی عملشان را زینت دادیم سپس بازگشت آنها به سوی پروردگارشان است و آنها را از آنچه عمل می‌کردند آگاه می‌سازد."^{۵۰} همچنین در آیاتی از قرآن کریم خداوند اهانت به مقدسات را ممنوع گردانیده و به اهانت کنندگان وعده عذاب الهی داده است از جمله آیه ۱۴۸ سوره نساء و آیه ۳۲ سوره حج به این موضوع پرداخته‌اند. از دیدگاه فقهای امامیه نوعی اتفاق نظر در خصوص حکم ساب‌النبی وجود دارد از آن جمله است که کسی که رسول الله (ص) یا امیرالمومنین (ع) یا یکی از امامان معصوم (ع) را دشنام دهد

۴۸- مصدق، محمد؛ شرح قانون مجازات اسلامی، جلد سوم، (چاپ دهم، انتشارات جنگل، تهران ۱۳۹۶)، ص ۲۷۰ و ۲۶۹.

۴۹- احمدزاده، ابوالفضل؛ توهین به مقدسات مذهبی، (مطالعه تطبیقی در فقه اسلامی، حقوق داخلی و بین‌المللی)، (چاپ اول، مجد، تهران، ۱۳۹۴)، ص ۳۹ و ۳۸.

۵۰- نعمتی فرا، رجب؛ تحلیل حقوقی - جرم شناسی توهین به مقدسات اسلام، (چاپ اول، نشر نوین پویا، تهران ۱۳۹۴)، ص ۳۳.

خون او از همان لحظه دشنام و سب دادن مباح است یا در روایت دیگری آمده است که سب پیامبر و عیبجویی آن حضرت موجب ارتداد است و مجازات مرتد مرگ است.^{۵۱} بنابراین در منابع معتبر فقهی احادیث و روایاتی وجود دارد بر حرمت و تقبیح توهین به مقدسات از جمله از هشام بن سالم از امام صادق (ع) روایت شده که او از امام (ع) پرسیده است در مورد کسی که نسبت به رسول خدا دشنام و اهانت کند چه نظری دارد، امام (ع) فرمودند: هر کس دسترسی به او آسانتر است می‌تواند بدون مراجعه به حاکم او را بکشد. همچنین از دلایل دیگری که در حرمت اهانت و توهین به مقدسات مطرح شده است، اجماع است در واقع یکی از موارد جواز و جوب قتل سابلنبی اجماع بسیاری از فقها در این خصوص است از جمله آن که صاحب جواهر می‌فرماید: کسی که پیامبر (ص) را دشنام دهد بر شنونده این دشنام جایز بلکه واجب است که او را بکشد.^{۵۲} بنابراین در خصوص حرمت توهین، سب و دشنام به پیامبر روایات متعدد و متقنی وجود دارد که از جمله روایات متواتری که در بیشتر متون فقهی به آن اشاره شده است صحیح‌ه محمدبن مسلم است که بیان می‌دارد در عهد پیامبر (ص) فردی، پیامبر را مستمراً سب می‌نمود زمانی که خبر به ایشان رسید دو فرد از صحابی را مأمور نمودند که سب را به قتل برسانند. در روایت دیگری از امام رضا (ع) نقل شده است که هر کس پیامبری را سب کند پس او را بکشید و هر کس وصی پیامبر را سب کند پس گویی نبی را سب کرده است که در واقع در این روایات سب و دشنام به پیامبر اکرم (ص) سختترین مجازات‌ها را که همان قتل است در پی دارد و این مجازات مورد اجماع فقهای شیعه و سنی قرار گرفته است همچنان که سب معصومین مورد اجماع شیعه است همچنین در این خصوص اکثریت فقهای شیعه معتقد به الحاق انبیای الهی به پیامبر اسلام (ص) هستند و قائل به اجماع در این مسئله می‌باشند و برخی دیگر الحاق انبیاء را به دلیل تعظیم و تکریم آنها جزئی از ضروریات دین اسلام دانسته‌اند و سب آنها را موجب ارتداد سب می‌دانند. برخی دیگر از فقها قذف انبیا را یکی از وجوه خاص سب دانسته‌اند و موجب ۱۶۰ ضربه شلاق و به روایتی از حضرت علی (ع) در این خصوص استناد می‌کنند. برخی نیز معتقدند هر کس که پیامبر (ص) یا ائمه (ع) یا بعضی از انبیاء را سب کند پس قتل او بر سلطان است و

۵۱- احمدزاده، ابوالفضل، پیشین، ص ۱۸۵

۵۲- اشرف، صدیقه؛ ساقی، طلعت؛ مقاله چاپگاه فقهی، حقوقی جرم اهانت به مقدسات اسلام، فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، (سال پنجم، شماره نوزدهم، بهار ۱۳۸۸)، ص ۵۹ و ۵۸.

اگر الفاظ قبیحی را به آنها نسبت دهد حد جلد مغلظ (۱۶۰ ضربه) به توهینکننده است به دلیل حرمت آنها و ثبوت عصمتشان. بنابراین آنچه مسلم است و برخی از فقها بر آن تأکید کرده‌اند اشتراک حکم سبّ انبیاء با سبّ پیامبر اسلام (ص) است که موجب قتل سبّ است و اگر فرد الفاظ دون سبّی که در شأن انبیاء نباشد را به آنها نسبت دهد تنها تعزیر می‌شود. از مجموع روایات استنباط می‌شود که اولاً سبّ پیامبر عملی است مجرمانه که حکم آن قتل بوده و هرکس و با هر انگیزه‌ای که حضرت محمد (ص) را سبّ نماید کشته می‌شود و ثانیاً بنا بر قول اکثریت فقهای شیعه سبّ حضرت زهرا (س) و سبّ سایر انبیای الهی نیز در حکم سبّ پیامبر اسلام است که علاوه بر مستندات فقهی متعدد، دیدگاه فقهای شیعه بر لزوم احترام به پیامبران الهی نیز دلیل دیگر این حکم می‌باشد همچنین باتوجه اطلاق روایات می‌توان گفت منظور کلیه انبیای الهی است اعم از پیامبران اولیالعزم و پیامبرانی که نام آنان در قرآن برده شده و برده نشده است.^{۵۳}

همچنین درخصوص سبّ ائمه (ع) نیز علاوه بر آیاتی که در قرآن کریم در این خصوص آمده است از جمله آیه ۶۱ سوره آل عمران که به تعبیر مفسران شیعه و سنی در شأن نزول حسین (ع)، حضرت فاطمه و حضرت علی می‌باشد که حکایت از جایگاه عصمت و طهارت ایشان دارد. بر همین مبنا فقهای شیعه اتفاق نظر دارند که سبّ ائمه (ع) در حکم سبّ پیامبر (ص) بوده و علاوه بر آن استدلال شیخ طوسی بر این است که قول نبی (ص) در سبّ علی (ع) است. طبق روایات وارد شده می‌توان دریافت که نصب و سبّ ائمه از حیث اظهار دشمنی، توهین و اهانت به جایگاه معصوم دارای وجه مشترک می‌باشد که در کتب فقهی روایی و استدلالی در کنار باب سبّالنبی و سبّلائمه روایات خاص برای آنها وجود دارد. به طور مثال مطابق روایتی که در این خصوص از پیامبر (ص) نقل شده است می‌توان دریافت که اولاً نصب ائمه جرم و گناه کبیره بوده و ثانیاً ناصبها همچون سبّالنبی محکوم به قتل هستند. به طور کلی میان فرق مختلف اهل تسنن، ابوحنیفه و اصحاب وی معتقدند که اگر سبّالنبی مسلمان باشد و شتم یا عیب پیامبر را بکنند مرتد است و کشته می‌شود در حالی که اگر ذمی باشد تعزیر می‌شود. دلیل این نظر ابوحنیفه روایتی است که از عایشه نقل شده است. در روایت دیگری که از ولید بن مسلم نقل شده است که هرکس نبی را سبّ کند مرتد است که اگر توبه کرد از حکم او گذشت می‌شود و گرنه کشته می‌شود

۵۳ - صیوحی، رحمان؛ هاشمی، حسین؛ مقاله مستندات فقهی اصل قانونمندی و قضامندی در جرم سبّالنبی، پژوهشنامه حقوق کیفری، (سال هشتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۶)، ص ۱۶۹ و ۱۶۸ و ۱۶۷.

اما به نظر شیخ مرتضی علم‌الهدی در نزد امامیه بین مسلمان و ذمی تفاوتی وجود ندارد زیرا که سب نبی ارتداد از دین است و مرتد به قتل میرسد. علاوه بر آن در خصوص سب و توهین به بستگان پیامبر (ص) فقهای شیعه با استناد به منابع اجتهادی و روایی قائل به تمیز هستند به گونه‌ای که سب حضرت فاطمه زهرا (س) به اجماع فقها در حکم سب‌النبی بوده و مستوجب قتل است که برخی دلیل این حکم را شمول آیه تطهیر، مختص حضرت فاطمه (س) دانسته‌اند اما در خصوص مادر و دختران پیامبر (ص) برخی قذف امانتی را باعث ارتداد می‌دانند برخی دیگر قاذف امانتی را به دلیل ارتدادش واجب‌القتل می‌دانند. با این وجود برخی دیگر از فقها بین قذف و سب بستگان پیامبر قائل به تمیز شده و حکم سایر بستگان پیامبر را زمانی در حکم سب نبی می‌دانند که این سب به پیامبر بازگردد و سب‌النبی بر آن اطلاق شود.^{۵۴}

گفتار ششم: مجازات جرم سب‌النبی و توهین به مقدسات:

برابر ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی مجازات جرم سب‌النبی اعدام است. در واقع اهانت به مقدسات مذهبی مستوجب دو نوع مجازات است یکی اعدام است در صورتی که اهانت مشمول عنوان سب‌النبی باشد و دیگری مجازات حبس از یک تا پنج سال است در موردی که مرتکب مشمول حکم سب‌النبی نباشد که در این خصوص باید به موازین فقهی مراجعه کرد که براساس آنها هرگاه دشنام به پیامبر (ص) یا هر یک از امامان (ع) باشد، دشنام دهنده سب‌النبی محسوب می‌گردد و در سایر موارد مجازات یک تا پنج سال حبس اعمال خواهد شد. در این خصوص می‌توان گفت در کتب حدیث و شرح لمعه هم این موضوع تاکید شده است به گونه‌ای که در لمعه آمده است: دشنام دهنده به پیغمبر (ص) یا یکی از امامان (ع) کشته می‌شود.^{۵۵} همچنین پیامبر اکرم (ص) فرموده است کسی که به پیامبران الهی ناسزا و توهین کند باید کشته شود. و در کتاب فقها لریضا آمده است اگر کسی به حضرت محمد (ص) یا یکی از اهلبیت او ناسزا گوید یا به آنان طعن زند قتل او واجب است. صاحب جواهر در مورد کیفر سب‌النبی گفته است کسی که به پیامبر ناسزا گوید هر کس آن را شنید جایز بلکه واجب است او را بکشد و در این مورد ادعای

۵۴ - صبوحی، رحمان، هاشمی، حسین؛ مقاله مستندات فقهی اصل قانونمندی و قضامندی در جرم سب‌النبی، پژوهشنامه حقوق کیفری، (سال هشتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۶)، ص ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳

۵۵ - میرمحمد صادقی، حسین؛ حقوق کیفری اختصاصی (۱)، جرایم علیه اشخاص، (چاپ هجدهم، میزان، تهران، ۱۳۹۴)، ص ۵۱۷ و ۵۱۶.

اجماع کرده است. امام خمینی (ره) نیز در این باره معتقد است هر کس نعوذ بالله پیامبر گرامی (ص) را سب و ناسزا گوید بر شنونده‌هاش واجب است او را بکشد.^{۵۶} در واقع ماده ۵۱۳ از مبانی فکری حقوق کیفری اسلام الهام گرفته شده است زیرا توهین به مقدسات دینی و اهانت به پیشوایان مذهبی از ناحیه افراد، باعث تزلزل در مبانی عقیدتی و اساسی دین مبین اسلام خواهد شد لذا ارتکاب آن جرم است و کسی که عمداً و از روی سود نیت به پیامبر اکرم (ص) و ائمه طاهرين (ع) اهانت کند به عنوان سبّالنبی قابل تعقیب کیفری خواهد بود.^{۵۷} بر این اساس کیفر این جرم در منابع فقهی اعدام است و از آن جایی که نظام حقوقی اسلام یک نظام دینی بر اساس فقه است قانونگذار پیرو منابع معتبر فقهی و اسلامی و فتاوی فقیهان، مجازات اعدام را برای این جرم پیشبینی کرده است. همچنین علاوه بر قرآن در روایات به عنوان مستند و جوب قتل سابقکننده، حکم و دلیل عقلی در این خصوص وجود دارد که نظام صحیح عقیدتی و دینی اسلام که موجب رفاه بشر است متوقف بر شخصیت پیامبر و احترام وی نزد مردم می‌باشد بنابراین با اهانت به ایشان پایههای رفاه بشری فرو میریزد.^{۵۸}



۵۶- الهیمنش، محمدرضا؛ مرادی اوجقاز، محسن؛ حقوق کیفری اختصاصی، (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی)، (چاپ اول، مجد، تهران ۱۳۹۴)، ص ۳۶۰.

۵۷- ولیدی، محمدصالح؛ حقوق جزای اختصاصی، (جرایم علیه اشخاص)، (چاپ ششم، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۰)، ص ۳۵۹.

۵۸- اشرف، صدیقه؛ ساقی، طلعت؛ مقاله جایگاه فقهی، حقوقی جرم اهانت به مقدسات اسلام، فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، (سال پنجم، شماره نوزدهم، بهار ۱۳۸۸) ص ۷۰ و ۶۹.

نتیجه گیری:

در احکام دین مبین اسلام به رعایت احترام نسبت به دیگران بسیار تأکید شده است که مهمترین آن احترام به مقدسات دینی اعم از اسلام و یا سایر ادیان الهی است. در واقع با لحاظ مفاهیم مندرج در روایات و اهتمام شارع مقدس در خصوص تکریم و تعظیم جایگاه انسان و نیز رعایت شأن و احترام ائمه معصومین (ع) و عدم جواز هتک مقدسات دینی به نظر می‌رسد پاسداشت محترمت و مقدسات دینی و احترام به شعائر اسلامی ابتدأً واجد صبغه قرآنی و روایی بوده و واجب می‌باشد. علاوه بر آن از حیث نظم اجتماعی که پشتوانه آن هنجارهای اخلاقی و آموزه‌های دینی می‌باشد توهین به مقدسات دینی مورد تأیید یک مذهب امری مذموم و ناپسند می‌باشد. از سوی دیگر از آنجایی که جرم توهین به مقدسات در زمره جرایم علیه امنیت شمرده می‌شود که ممکن است باعث ناامنی در اجتماع شده و در امنیت کشور خلل وارد کند، بنابراین بهتر بود قانونگذار به منظور حمایت از مقدسات سایر مذاهب عمده جهان به جرم انگاری آنها نیز می‌پرداخت چرا که اهانت به باورهای مذهبی سایرین علاوه بر اینکه کاری خلاف اخلاق و وجدان بشری بوده، می‌تواند موجب ایجاد ناامنی داخلی و خارجی در کشور شود. همچنین شایسته است در جهت رسیدن بهک رویه قضائی واحد در عمل مقدسات تمام مذاهب را در نظر گرفته شود. بنابراین لزوم تقنین ماده‌ای قانونی به منظور حمایت و جلوگیری از اهانت به مقدسات سایر مذاهب و ادیان باید مورد توجه و تعیین قرار گیرد و با توجه به این که مجازات اعدام برای جرم سابالنبی در نظر گرفته شده، ضروری است که قانونگذار دایره مصادیق مقدسات را معین کند. در واقع منظور قانونگذار از مقدسات اسلام به درستی روشن نشده است پس نیازمند بازنگری در این خصوص هستیم.

فهرست منابع:

- احمدزاده، ابوالفضل؛ توهین به مقدسات مذهبی، (مطالعه تطبیقی در فقه اسلامی، حقوق داخلی و بینالمللی)، چاپ اول، مجد، تهران ۱۳۹۴.
- اشرف، صدیقه؛ ساقی، طلعت؛ مقاله جایگاه فقهی، حقوقی جرم اهانت به مقدسات اسلام، فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، سال پنجم، شماره نوزدهم، بهار ۱۳۸۸.
- اصغری، سید شکرالله؛ سیستم کیفری اسلام و پاسخ به شبهات آن، چاپ اول، نشر بعثت، تهران ۱۳۷۲.
- آقایی، حسین؛ حقوق کیفری اختصاصی، (جرایم علیه اشخاص، شخصیت معنوی)، چاپ هفتم، نشر میزان، تهران ۱۳۹۴.
- پاد، ابراهیم؛ حقوق کیفری اختصاصی، جلد اول، چاپ اول، دانشور، تهران ۱۳۴۷.
- پیمانی، ضیاءالدین؛ حقوق کیفری اختصاصی (۳)، (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی)، چاپ نهم، میزان، تهران ۱۳۹۲.
- حسین دشتی، سید مصطفی؛ معارف و معاریف دایرهالمعارف جامع اسلامی، جلد نهم، چاپ سوم، آرایه، تهران ۱۳۸۵.
- خمینی، روحالله؛ تحریرالوسیله، کتاب حدود، جلد چهارم، چاپ چهارم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۹۲.
- دهخدا، علیاکبر؛ لغتنامه؛ جلد پنجم، چاپ اول، تهران ۱۳۷۳.
- شاکری، یاسر؛ مقاله توهین به مقدسات در حقوق کیفری ایران، ماهنامه آفاق علوم انسانی، شماره ششم، مهرماه ۱۳۹۶.
- شامبیاتی، هوشنگ؛ حقوق کیفری اختصاصی، جلد اول، چاپ دهم، مجد، تهران ۱۳۸۴.
- صالحی، فاطمه؛ مقاله توهین به مقدسات و خلأهای قانونی موجود در قانون مجازات اسلامی، مجله معرفت، شماره ۸۵، دی ۱۳۸۳.
- صبوچی، رحمان؛ هاشمی، حسین؛ مقاله مستندات فقهی اصل قانونمندی و قضامندی در جرم سبّالنبی، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هشتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۶.
- عبادی، احمد؛ پایاننامه تبیین ماهیت و مبانی جرم توهین به مقدسات، مرداد ۱۳۸۱.
- گلدوزیان، ایرج؛ حقوق جزای اختصاصی، چاپ هشتم، دانشگاه تهران ۱۳۸۰.
- گلدوزیان، ایرج؛ محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ هفتم، مجد، تهران ۱۳۹۶.
- مصدق، محمد؛ شرح قانون مجازات اسلامی، جلد سوم، چاپ دهم، انتشارات جنگل، تهران ۱۳۹۶.
- مهدوی، مجید؛ نژادی، پریسا؛ مقاله توهین به مقدسات اسلامی درآینه قانون مجازات ایران، تحقیقات جدید در علوم انسانی، سال دوم، شماره سوم پیاپی، بهار ۱۳۹۵.
- میرمحمد صادقی، حسین؛ حقوق کیفری اختصاصی (۱)، (جرایم علیه اشخاص)، چاپ هجدهم، میزان، تهران ۱۳۹۴.
- نعمتی قرا، رجب؛ تحلیل حقوقی - جرم شناسی توهین به مقدسات اسلام، چاپ اول، نوین پویا

تهران ۱۳۹۴.

ولیدی، محمد صالح؛ حقوق جزای اختصاصی، (جرایم علیه اشخاص)، چاپ ششم، انتشارات امیرکبیر،

تهران ۱۳۸۰.

الهیمنش، محمدرضا؛ مرادی اوجقاز، محسن؛ حقوق کیفری اختصاصی، (جرایم علیه امنیت و آسایش

عمومی)، چاپ اول، مجد، تهران ۱۳۹۴.

